

ایراد کار کجاست؟

این روزها در بسیاری از محافل طلبگی صحبت از چگونگی به سرانجام رسیدن مذاکرات هسته ای است. صحبت از دغدغه ها و نگرانی هاست، صحبت از عقب نشینی هاست، صحبت از عدول از ارزش هاست. صحبت از مقصرهاست...

چه کسی به دنبال آغاز و پیگیری مذاکرات با شیوه های جدید بود؟ چه افرادی به دنبال حل مشکلات داخلی از مسیر تغییر در سیاست های خارجی نظام بوده اند؟ چه تفکری چشم امید به بیرون از مرزها داشت؟ چه جریانی می گوید با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصادمان رونق پیدا کند؟ چه تصمیم گیری معتقدند؛ تحمیل قدرتهای مستکبر را در بخشهای گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان پیشرفت پیدا کند؟

اگر نگاهی گذرا به توصیه های رهبری پیرامون رویکرد مذاکره ای در حل مشکلات داخلی بیاندازیم، به چند نکته مفید در جهت پاسخ به سؤالات مذکور، رهنمون خواهیم شد؛

۱. شروع این روند از چندین ماه پیش از شروع بکار دولت یازدهم می باشد؛ برای نمونه فرمایشات ایشان در ۱۹ دی ماه سال ۹۱:

« مذاکره ای با آمریکا مشکلی را حل نمیکند؛ کجا اینها به وعده های خودشان عمل کردند. شصت سال است که از ۲۸ مرداد ۳۲ تا امروز در هر موردی که با آمریکایی ها مسئولین این کشور اعتماد کردند، ضربه خوردند.»

« سیاست خاورمیانه ای آمریکایی ها دچار شکست شده و آنها احتیاج دارند به اینکه یک برگ برنده ای را به قول خودهاشان رو کنند؛ این برگ برنده از نظر آنها عبارت است از اینکه: نظام جمهوری اسلامی انقلابی مردمی را، پای میز مذاکره بکشاند. »

« امروز اگر کسانی بخواهند سلطه ای آمریکا را مجدداً در این کشور برقرار کنند و از منافع ملی، پیشرفت علمی و حرکت مستقل صرف نظر کنند برای خاطر رضایت آمریکا، ملت گریبان اینها را خواهد گرفت. »

۲۸ اسفندماه ۹۱ :

« دولتمردان آمریکائی غیر منطقی حرف میزنند. با گفتگو کننده ی غیر منطقی، نمیشود انسان بنشیند به اتکاء منطق حرف بزنند.....هدف آمریکائی ها این است که با وعده ی برداشتن تحریمها، ملت ایران را وادار کنند که اشتیاق به مذاکره ی با آمریکا پیدا کند. »

اول فروردین ماه ۹۲:

«مسئولین بلندپایه و مسئولین میانی آمریکا بارها و بارها میگویند بیائید در کنار گفتگوهای ۱+۵ که درباره ی مسائل هسته ای بحث میکنند، آمریکا و جمهوری اسلامی دو به دو، درباره ی مسئله ی هسته ای ایران بحث کنند.»

در نتیجه عامل شکل گیری روند کنونی در مذاکرات، دولت و تیم مذاکره کننده جدید نبوده اند، چون اساساً این موضع گیری های مقام معظم رهبری پیش از روی کارآمدن دولت یازدهم می باشد.

۱. مخاطب اصلی همه ی این توصیه ها آحاد عمومی ملت ایران می باشند؛ در نتیجه نقش کلیدی متوجه ملت ایران است، هم ملت است که فرمان مذاکره را صادر می نماید ، هم ملت است که با امید خود میز مذاکره را برقرار نگاه می دارد و هم همین ملت است که در صورت بیداری، به هر وسیله ای خواستار پایان مذاکرات می گردد.

۲. رهبری خوشبین نیستند ولی مخالفتی هم ندارند؛ در نتیجه رهبری هدف خاصی را از نتایج مذاکرات اخیر پیگیری می نمایند و با آن که نتایج احتمالی آن را در نظر دارند ورودی به سرنوشت آن نخواهند داشت.

لذا عامل اصلی شروع کننده روند کنونی چیزی نیست جز خواست عمومی ملت ایران. رهبری در تاریخ ۴ آذرماه ۹۳ در این باره می فرمایند: «هم در زمینه‌ی تحریم، هم در زمینه‌ی تهدید نظامی، دست دشمن خالی است: وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ اگر ما [مؤمن باشیم]، دشمن در میدان واقعی کاری نمیتواند بکند. خب، حالا که کاری در میدان واقعی نمیتواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه‌ی طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماسهای گوناگون دنبال میکنند؛ میدانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدفهای خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»، میتواند؛ میخواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در رأس آنها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این درباره‌ی آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگران هم گفته‌اند و نوشته‌اند و بحث کرده‌اند.» دشمن توانست با اعمال فشارهای اقتصادی گزینه مذاکره رودرو و ۲ به ۲ با آمریکا را برای کاهش فشارها در برابر ملت ایران قرار داده و آنان را پای میز مذاکره نگاه دارد. طبیعتاً تا زمانی که توجه افکار عمومی ملت همچنان به این مذاکرات بوده و چشم‌امیدی به گره‌گشایی‌های این مسیر داشته باشند این روند ادامه خواهد یافت و در صورت ایستادگی ملت است که این جریان پایان خواهد پذیرفت. لذاست که رهبری انقلاب در تاریخ ۱۹ دیماه سال ۹۲، پیرامون نتایج و عاقبت زیاده‌خواهی‌های آمریکا می فرمایند:

«وقتی دشمن نگاه کرد، دید یک ملت عازم است، ایستاده است، تصمیم دارد کار خودش را پیش ببرد، آن دشمن ناچار به عقب‌نشینی میشود؛ همین هم هست. این اشتباه آنها را ملت ایران به هم خواهند زد.»

هدف اساسی نظام اسلامی نیز از نتایج مذاکرات اخیر شکل‌گیری یک تجربه تاریخی مؤثر در اذهان عمومی ملت ایران است، تجربه‌ای که ثابت می‌نماید در هیچ موضوع و در هیچ زمانی نبایست چشم‌امیدی به استکبار داشت. در همین راستا مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۲ آبان ماه ۹۲ فرموده‌اند:

«من فکر نمیکنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد. ما از مسئولین خودمان که دارند در جبهه‌ی دیپلماسی فعالیت میکنند، کار میکنند، قرص و محکم حمایت میکنیم، اما ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد [تا] بعضی از تبلیغاتچی‌های موجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزدوموجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند.»

بنظر می‌آید، اگر افراد و یا جریان‌هایی به دنبال پی‌جویی و به سرانجام رساندن این اهداف سرنوشت‌ساز می‌باشند، بایستی از مسیر ارائه تحلیل‌ها و اطلاعات دقیق روند بیدارسازی ملت ایران را تسریع بخشند در غیر اینصورت بلندگوهای طرف مقابل خواهند توانست از شکل‌گیری چنین تجربه‌ای مجدداً جلوگیری نمایند.

در این بین نقش روحانیت و به خصوص مبلغین دینی که همواره چشم‌تیزبین امت بوده و در مقاطع گوناگون تاریخی با جلوداری، از منافع ملی و دینی عموم مردم پاسداری نموده‌اند، در راه بیدارسازی ملت و دعوت عمومی به یک ایستادگی تاریخی و برهم زدن دسیسه‌های دشمن بسیار برجسته و خطیر می‌باشد.